



مرکز پژوهش‌های علمی و  
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

Home page: [www.cmess.sinaweb.net](http://www.cmess.sinaweb.net)

## سخن فصل

### شکست نظریه بازدارندگی اسرائیل

سید حسین موسوی<sup>۱</sup>

در سالگرد عملیات طوفان الاقصی و پس از عملیات وعده صادق ۲ و نارکارآمدی پدافند دفاعی اسرائیل در رهگیری موشک‌های ایرانی اکنون با اطمینان بیشتری می‌توان گفت نظریه بازدارندگی اسرائیل در مواجهه با محیط پیرامونی شکست خورده است. عملیات ۷ اکتبر سال گذشته از سوی حماس پس از درهم شکستن دیواره دفاعی اسرائیل و غافلگیری کامل نیروهای صهیونیستی در یک روز بیشترین تلفات و آسیب‌های انسانی را که در تاریخ رژیم بی‌سابقه بود، وارد آورد. همچنین حزب‌الله در جبهه شمالی ساختار دفاعی این رژیم را چنان درهم ریخت که ساکنان منطقه الجلیل ناگزیر به مناطق امن‌تر پناهنده شدند. موشک‌های یمنی نیز گاه و بیگاه گنبد‌های دفاع هوایی این رژیم را درهم می‌شکست و به سرزمین‌های اشغالی تحت تصرف اسرائیل وارد می‌شد. گفته شد ابراهیم عقیل فرمانده شهید حزب‌الله هم در حال برنامه‌ریزی برای ورود به منطقه الجلیل و انجام عملیاتی شبیه طوفان الاقصی بود، اگر چنین گفته‌ای درست باشد، معنا و مفهوم آن این است که اسرائیل دیگر نقطه امنی ندارد و دروازه‌های زمینی و هوایی اسرائیل بر روی محور مقاومت گشوده شده است. ناگفته پیداست رژیم اسرائیل سال‌ها با صرف مبلغ بسیار و در اختیارگیری آخرین دستاوردهای فناوری آمریکا و غرب و نیز بهره‌گیری از تجهیزات و تسلیحات بسیار گران قیمت و با برپایی گنبد آهنین، فلاخن داوود و سامانه پیکان اینک خود را قادر به رهگیری هر نوع پرتابه کوتاه‌برد و دوربرد می‌دید و مغرورانه نسبت به اقداماتی که در محور مقاومت انجام می‌شد، نظیر حفر تونل و انبار کردن تسلیحات بی‌اعتنا بود؛ اسرائیل گمان می‌برد

۱ - مدیرمسئول فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی و رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

این سیستم پیچیده پدافندی بازدارندگی کافی و کاملی را برای این رژیم ایجاد کرده است. اکنون با بررسی اقدامات محور مقاومت و به‌ویژه عملیات وعده صادق مشخص شده که تمام تدابیر امنیتی اسرائیل در زمین و هوا و نیز فناوری‌های ارتباطی و مخابراتی پیشرفته مانع از ضربات سنگین به عمق سرزمین اشغالی نشده است. به نظر می‌رسد فرماندهان نظامی این رژیم خشمگین از ناکارآمدی و عملکرد ضعیف این سامانه‌های دفاعی پیام روشنی دریافت کرده‌اند و آن این است که دیگر هیچ مکانی در اسرائیل امن نیست و بازدارندگی راهبردی آنان شکست خورده است.

رفتار تهاجمی اسرائیل را در بازه زمانی اخیر باید در این چارچوب تحلیل کرد که اسرائیل با فعال کردن جبهه‌های گوناگون نظیر کرانه غربی، جبهه لبنان، جبهه یمن، جبهه عراق و افزایش عملیات در عمق سوریه و نیز تشدید اقدامات علیه غزه و همچنین جبهه با جمهوری اسلامی ایران قصد آن دارد که اعلام کند، اگر اسرائیل امن نیست، جای دیگری در خاورمیانه هم نباید امن باشد. شرایط فعلی گواه آرایش جدیدی از تشدید تنش‌ها و برهم زدن ژئواستراتژی منطقه است. انفجارهای پیاپی در کشورهای منطقه که از سوی این رژیم صورت می‌گیرد، اینک نه فقط خاورمیانه بلکه کل جهان را تهدید می‌کند. بسیاری از کشورهای غرب آسیا اینک نگران گسترش جنگ و ورود به درگیری‌های ناخواسته هستند. این موضوع در سخنان رهبران کشورهای منطقه به‌ویژه عبدالفتاح السیسی، اردوغان، پادشاه اردن و دیگر رهبران شورای همکاری خلیج فارس به وضوح به گوش می‌رسد.

ابهام در آینده پسا غزه، وضعیت کرانه غربی، آینده حماس و آتش‌بس در غزه، آینده دو دولت، آینده لبنان و بسیاری از آینده‌های دیگر اکنون به سبب گسترش فعالیت‌های ناامن‌کننده اسرائیل به خطر افتاده و سرنوشت نامعلومی را نه فقط در خاورمیانه بلکه در کل جهان رقم می‌زند. جهانیان اکنون هر هفته و بلکه هر روز منتظر شگفتی‌سازهای این جنگ ویرانگر هستند. برهم خوردن نظریه بازدارندگی اسرائیل و خسارت‌های سنگین این رژیم و به‌ویژه بر باد رفتن میلیاردها دلار هزینه مقابله با موشک‌های ارزان قیمت محور مقاومت به نسبت گرانی سامانه دفاعی اسرائیل، پرخاشگری این رژیم را به اوج خود رسانده و اسرائیل را از لاک بازدارندگی خارج کرد. رفتار تهاجمی اسرائیل در برخورد با مردم بی‌دفاع منطقه، کشورهای عربی را نیز تحت فشار شدیدی قرار داده است، به‌ویژه کشورهای عربی که روابط خود را با اسرائیل عادی‌سازی کرده بودند. اسرائیل در حال حاضر هیچ تمایزی بین شبه نظامیان و غیر نظامیان، افراد مقاومت و مردم عادی، شیعه و سنی و دروز نمی‌گذارد. کشتارهای کور که اصطلاحاً آن را هدفمند می‌نامند، رهبران کشورهای عربی را با آنکه دل خوشی از محور مقاومت ندارند، دستشان را در پوست

گردو قرار می‌دهد و نمی‌توانند نسبت به جنایات جنگی رژیم اسرائیل بی‌تفاوت باشند. توافق ابراهیم نیز بدون حضور عربستان اساساً بی‌معنا است و رهبران عربستان تا زمانی که ایده دو دولت تحقق نیابد بعید است که به توافق بپیوندند.

شاید برخی تحلیلگران بپندارند اقدامات کنونی ویرانگر اسرائیل علیه حماس و حزب‌الله، بخشی از اقدامات بازدارنده اسرائیل در برگرداندن امنیت به مرزهای زمینی و دور کردن مقاومت از هسته اصلی رژیم اسرائیل در مثلث حیفا، تل‌آویو و بیت‌المقدس است که از طریق نابودی زیرساخت‌ها و افراد کلیدی جریان مقاومت را برای همیشه از میان بردارد؛ به نظر می‌رسد چنین تصویری با واقعیت‌ها تطابق ندارد، حداقل تجارب اسرائیل در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه علیه حزب‌الله و غزه نشان داد که مقاومت از میان آوارها به سرعت سر بر می‌آورد و با تجدید قوا و درس‌گیری از شکست‌ها، کوبنده‌تر و قدرتمندتر در میدان حاضر می‌شود. گسترش جنگ در منطقه به یک جنگ منطقه‌ای، دوگانه‌ای است که در صورت شعله‌ور شدن قدرت‌های بزرگ را نیز وارد درگیری خواهد کرد. جنگ روسیه و اوکراین روابط بین قدرت‌های بزرگ را در سطح بین‌المللی به پایین‌ترین سطوح کشانده است، چنین امری حل و فصل مناقشات را در سطح غرب آسیا نیز نه فقط به گذشت زمان واگذار می‌کند، بلکه به افزایش بیشتر تنش‌ها میان قدرت‌ها می‌انجامد. تجربه مذاکرات یک سال گذشته برای حل بحران غزه نشان داد آمریکا به تنهایی و حتی همراه با متحدان اروپایی و منطقه‌ای خود قادر به حل و فصل مسائل منطقه نیست. سوگیری یک جانبه آمریکا و اردوگاه غرب از اسرائیل تحت عنوان حق دفاع از خود، نه فقط امنیت نیروهای آمریکایی در منطقه را به خطر انداخته، بلکه اعتراضات کشورهای مختلف و افکار عمومی جهان را برانگیخته و حتی در میان نخبگان آمریکا نیز فشارها افزایش یافته است.

چین و روسیه اگرچه در پس پرده حوادث منطقه حضور جدی دارند، اما این امر به معنای آن نیست که در صدد حل بحران باشند، شاید هر دو کشور از درگیر بودن غرب در مسائل خاورمیانه سود می‌برند. روسیه از برهم زدن تمرکز غرب در حمایت از اوکراین و چین از برهم زدن کریدور هند-اسرائیل منافع دارند. افزون بر آن جنگ در خاورمیانه میلیاردها دلار به آمریکا و اسرائیل هزینه تحمیل کرده و نیز بر حمل و نقل بین‌المللی تاثیر گذاشته است. همچنین آثار تورمی این جنگ همه کشورهای را متاثر کرده و سرمایه‌گذاری‌های خارجی و درآمدهای گردشگری و دیگر بخش‌های اقتصادی منطقه را دچار آسیب کرده است. در میان مدت رژیم اسرائیل برای ایجاد یک سازش استراتژیک و راه‌اندازی پیمان ابراهیم دچار تنگنا است. اسرائیل گزینه‌های لازم برای حفظ و تضمین امنیت کریدور هند به اسرائیل را در

اختیار ندارد، همچنین قادر به تسلیم محور مقاومت نیست. اکثریت آراء کنیسه و نخبگان رژیم با طرح دو دولت موافق نیستند. اسرائیل اساساً دیگر راه‌حل مناسبی برای تشویق عربستان و دیگر کشورها برای پیوستن به پیمان ابراهیم در اختیار ندارد. تفکیک محور مقاومت از یکدیگر که نیز در دستور کار کنونی اسرائیل است، علی‌رغم شدت ویرانگری توازن خشونت را به توازن صلح باز نخواهد گرداند.

منطقه خاورمیانه اکنون با دو سناریوی کاملاً متفاوت روبه‌رو است. سناریوی آتش‌بس دیر هنگام، که در آن با افزایش سطح تنش و احیاناً تبادل آتش دوربرد میان ایران و اسرائیل و نیز تداوم حملات حزب‌الله، انصارالله، حشد الشعبی و دیگر گروه‌های حماس و جهاد ممکن است سرانجام اسرائیل را با تحمل خسارت‌های زیاد ناگزیر از کاهش تنش و پذیرش توافق برای آتش‌بس کند و یا آنکه منطقه وارد یک جنگ تمام‌عیار و گسترده با حضور آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن شود، که در آن پایگاه‌های آمریکا در منطقه مورد هجوم محور مقاومت قرار گرفته و احتمالاً کشورهای عربی، روسیه و چین را نیز به صحنه جنگ بکشد. آمریکا علی‌رغم حمایت مطلق و نامحدود از اسرائیل و چشم‌پوشی از جنایات جنگی و نسل‌کشی این رژیم و با وجود نمایش قدرت خود در افزایش ناوگان‌های دریایی و ناوهای هواپیمابر در منطقه خواهان درگیر شدن در جنگ تمام‌عیار نیست، زیرا چنین جنگی می‌تواند توان بازدارندگی آمریکا را در مقابل ایران، روسیه و چین به چالش بکشد و همچنین آمریکا را بیش از پیش متزلزل کند. به نظر می‌رسد در صورت خویشتنداری و عدم تمایل طرف‌های درگیر از ورود به سطوح بالاتر تنش تحقق این سناریو از احتمال بالایی برخوردار نباشد. اما آنچه در میان مدت قابل تصور است، تداوم جنگ فرسایشی است که از یک سو جبهه مقاومت و از سوی دیگر رژیم اسرائیل تا حصول به یک توافق آتش‌بس دیر هنگام به عملیات محدود در زمان و مکان‌های مشخص ادامه خواهند داد، با این تفاوت که جبهه مقاومت خواهان آتش‌بس زودهنگام بوده، اما اسرائیل در حلاء ایجاد شده ناشی از انتخابات آمریکا و بی‌عملی جامعه جهانی خواهان حداکثر خونریزی و نابودی حرث و نسل است. اسرائیل در فاصله میان توافق آتش‌بس و یک جنگ تمام‌عیار، هر آنچه در توان دارد برای تفکیک جبهه مقاومت به کار خواهد برد، در مقابل نیز به نظر می‌رسد جبهه مقاومت همچنان از کارآمدی لازم برخوردار بوده و شگفتی‌سازی‌هایی را در آستین خود پنهان کرده است. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد آن است که نظریه بازدارندگی در منطقه خاورمیانه به‌ویژه در مورد اسرائیل شکست خورده است. زمان زیادی طول خواهد کشید تا نظریه‌ای جایگزین پیدا شود.